

## اخذ اجرت بر عمل جراحی زیبایی چه حکمی دارد؟

سید محمد مهدی حسینی

**چکیده:** عمل جراحی زیبایی در حال حاضر یکی از رایج ترین عمل های جراحی است که جزء مسائل مستحدثه محسوب می شود. افراد برای برطرف کردن عیوب یا زیبایی بیشتر، با توجه به تعریفی که عرف از زیبایی ارائه می دهد، دست به چنین عملی می زنند. دو قول در مورد حکم این عمل وجود دارد. قول به حرمت به خاطر اصالة الحرمة و آیات نهی از تغییر و تبدیل در خلق خدا. به هر دو دلیل اشکال وارد است. و قول به جواز به خاطر اصالة البرائة و اصالة الحل و قاعده تسلیط. فقهای معاصر نیز حکم به جواز چنین عملی داده اند. اخذ اجرت نیز بر چنین عملی جایز است. البته اگر این عمل ضرورت نداشته باشد و دارای ضرر متناهی باشد به طوری که عقلا از آن منع کنند یا همراه با ملزومات حرام باشد، دیگر جایز نیست.

**واژگان کلیدی:** زیبایی، عیب، اخذ اجرت، اصالة البرائة، اصالة الحل، قاعده تسلیط، تغییر جنسیت.

### مقدمه:

با پیشرفت علم پزشکی عمل های جراحی به یکی از مهمترین شاخصه های پیشرفت تبدیل شده اند و در عین حال عمده ترین منبع درآمدی پزشکان نیز به شمار می روند. یکی از رایج ترین این عمل ها، عمل جراحی زیبایی می باشد که خود دارای شاخه ها و انواع متعددی است. خانم ها حدود ۸۶

درصد (حدود ۲۰ میلیون عمل در سال ۲۰۱۶ در سراسر جهان) متقاضیان این عمل جراحی را تشکیل می دهند. با توجه به این حجم از تقاضا، عمل جراحی زیبایی برای پزشکان سود و منفعت سرشاری دارد و فقط مربوط به جراحان پلاستیک نمی شود بلکه جراحان دیگر نیز بنا به تخصص خود، دست به جراحی های زیبایی می زنند.

بنابر آمار به دست آمده، کشور آمریکا در رتبه اول عمل های جراحی زیبایی قرار دارد. طبق همین آمار ایران در رتبه ۲۰ جهانی قرار دارد. البته آمار دقیقی در ایران وجود ندارد و برخی آمارهای غیر رسمی رتبه دوم یا سوم جهانی را ثبت کرده اند که مسلماً درست نمی باشد. تنها مرجعی که می تواند آمار دقیق و رسمی در این زمینه ارائه دهد، وزارت بهداشت است که تاکنون چنین آماری ارائه نداده است. (حیدری، مقایسه کیفیت زندگی قبل و بعد از عمل زیبایی بینی و برآورد هزینه آن با استفاده از رویکرد سرمایه انسانی، ۱۳۹۵ شمسی)

سوال کلیدی این است که آیا چنین عمل هایی جایزاند و اخذ اجرت بر آنها صحیح است؟ یا اکل مال به باطل و فعل حرام است؟ با توجه به جو موجود در جامعه ی ما مخصوصاً در خانم های جوان و اشتیاق وافر آنها به چنین عمل هایی، و درآمد بالایی که پزشکان از این طریق کسب می کنند، پاسخ به این پرسش که آیا چنین عملی فی نفسه جایز است یا نه از اهمیت بسزایی برخوردار می گردد. اما قبل از پاسخ به این سوالات باید کلیاتی را در مورد عمل جراحی زیبایی بیان کنیم. سپس در ادامه به بیان حکم وضعی و تکلیفی عمل جراحی زیبایی می پردازیم. سوالات دیگری نیز در این رابطه مطرح است که در ادامه طی چند گفتار به آنها می پردازیم مثل تاثیر حرج در جواز عمل، یا تاثیر ضرر اعمال جراحی در حرمت آنها، یا تدلیس و فریب دیگران با چنین عمل هایی، و یا سوالات دیگری از این دست.

ما در این تحقیق می کوشیم تا با بررسی ادله حرمت یا حلیت این عمل فی نفسه، و بررسی برخی سوالات پیرامونی آن، به حول و قوه الهی قدمی در راستای کشف حقیقت و حکم شرعی این گونه مسائل برداریم.

## بخش اول: کلیات

عمل جراحی زیبایی: به اعمال جراحی پزشکی می گویند که برای تغییر و زیبا سازی یا رفع آسیب های ظاهری بخشی از صورت یا بدن انجام می شود. (دانش نامه آزاد ویکی پدیا، <https://fa.wikipedia.org/wiki>) جراحی زیبایی با جراحی پلاستیک متفاوت است و حتی می توان بدون جراحی پلاستیک برخی از انواع عمل جراحی زیبایی را انجام داد.

انواع عمل جراحی زیبایی: امروزه اعمال جراحی زیبایی به حدی مختلف و متنوع شده اند که از حد شمارش خارج اند. برخی از این اعمال برای ضایعات مادرزادی و یا ضایعات ناشی از تصادفات تجویز می شوند و فرد را شبیه یکی از هموعان خود می کنند. ولی برخی دیگر از این اعمال با هدف جلب توجه و ناشی از حس خود کم بینی اند و حتی ممکن است ظاهری متفاوت با ظاهر معمول نوع انسان برای فرد ایجاد کنند. برای شناخت بهتر عمل جراحی زیبایی باید اول تعریفی برای «زیبایی» ارائه داد تا بر مبنای آن اعمال جراحی را دسته بندی کرد.

زیبایی یک امر نسبی است که نسبت به افراد مختلف متفاوت می باشد و نمی توان از تعریف آن در مقام عمل به مصادیق واحدی رسید. حاکم و تعیین کننده در مسئله ی زیبایی، احساس افراد بشری است. در نتیجه افراد ممکن است بنا به شرایط محیطی، تفکرات فردی، و علاقه مندی ها، قضیه ای واحد را متفاوت و حتی به صورت متضاد ببینند. مثلاً فردی عمل جراحی رو به بالا کردن نک بینی را باعث زیبایی خود ببیند و فردی دیگر احساس زشتی بیشتری با این عمل کند. در نتیجه در چنین مواردی یا باید نظر عرفی و نوع بشر را ملاک قرار داد و یا نظر شخصی فرد را.

با توجه به عوامل موثر در احساس فرد، می بینیم که عرف ملاک صحیح تری است چرا که همین عرف می تواند با ایجاد جوّی سالم و یا غلط فرد را به سوی معیار خود هدایت کند و زیبایی را در چشم او دگرگونه تفسیر کند. البته همیشه کسانی هستند که شخصیت آنها شکل ثابتی به خود گرفته و تغییرات محیطی و عرفی در آنها موثر واقع نمی شود ولی غالب افراد جامعه با تبلیغات و عوامل محیطی، دگرگون می شوند. طبق تحقیقات به عمل آمده، اصلی ترین عامل برای عمل جراحی زیبایی، محرک های خارجی مثل دوستان، خانواده، تبلیغات، پزشکان و غیره بوده است که حدوداً

۴۳ درصد افراد را به این عمل‌ها تشویق کرده است. عامل دوّم دیدن و مشاهده‌ی افرادی است که قبلاً عمل جراحی زیبایی انجام داده‌اند. حدوداً ۳۹ درصد افراد به این دلیل دست به عمل جراحی زیبایی زده‌اند. و تنها حدود ۱۳ درصد افراد به صورت مستقل تصمیم گرفته‌اند.

در مجموع می‌توان گفت: پایین بودن اعتماد به نفس، مصرف زدگی، مدگرایی، چشم و هم‌چشمی، و عدم توانایی گروه‌های مرجع در ایجاد هویت‌های مذهبی و ملی و از سوی دیگر، تمایل به ایجاد درآمدهای کلان برای متخصصان این حوزه، عامل گرایش افراد به این نوع عمل جراحی است. بنابر این زیبایی که عرف با توجه به عوامل یاد شده تشخیص می‌دهد، زیبایی است که مدّ نظر افراد جامعه است و برای رسیدن به آن دست به چنین عمل‌هایی می‌زنند و نظرات شخصی یا سایر تعاریف و مجامع زیباشناسی کمتر در آن راه دارد.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که آیا «رفع عیوب» نیز شامل اعمال زیبایی می‌شود و یا صرفاً فردی که دارای عیبی نیست و تنها هدفش افزایش زیبایی است، مشمول چنین عنوانی است؟

بسیاری از افراد بر اثر اتفاقات مختلف دچار عیوب ظاهری می‌شوند، مثل عوارض ناشی از سوختگی یا تصادفات. برخی از افراد نیز عیوبی مادر زاد یا ارثی دارند مثل ماه گرفتگی، خال‌های پوستی، پولیپ، لب شکری، ریزش مو و غیره.

برخی از این عمل‌ها برای فرد ضروری‌اند تا عوارض ناشی از آن عیب را برطرف کنند مثل لب شکری یا پولیپ و فرد قبل از عمل دچار مشکلات زیادی است. ولی برخی دیگر عیبی هستند که برای فرد مشکلی ایجاد نمی‌کنند و فقط زیبایی فرد کم شده است مثل ریزش مو یا بزرگی بینی. و برخی دیگر عیب هم نیستند بلکه صرفاً جهت زیبایی بیشتر صورت می‌گیرند مثل ایجاد چال گونه. از نگاه عرفی همه‌ی این اعمال برای افزایش زیبایی صورت می‌گیرند و فرق چندانی ندارند و فقط انگیزه‌های مختلف دارند ولی از لحاظ شرعی، انگیزه فرد و هدف از عمل جراحی و مشکلاتی که قرار است با آن عمل برطرف شود، می‌تواند در حکم موثر باشد. بنابر این عمل‌هایی که برای رفع عیوب صورت می‌گیرند نیز در دایره عمل‌های زیبایی قرار می‌گیرند.

ما عمل های جراحی زیبایی را به ۳ گروه تقسیم می کنیم:

گروه اول عمل های جراحی که در صدد رفع عیب هستند و عیب نیز به گونه ای است که رفع آن برای فرد لازم است مثل سوختگی های ناشی از صوانح رانندگی یا عیوب مادرزادی مثل لب شکری بودن و غیره.

دسته دوم عمل هایی که فرد را شبیه به طبیعت نوع انسانی خود قرار می دهد چه در جهت رفع عیوب باشد و چه صرفاً برای زیبایی صورت گیرد مثل عمل جراحی کاشت مو یا کشیدن پوست برای زیبایی بیشتر.

گروه سوم عمل هایی است که فرد صرفاً برای زیبایی بیشتر و جلب توجه دیگران به خود انجام می دهد و در صدد شباهت به افراد نوع بشر نیست مثل عمل تیز کردن نوک گوش ها.

در ادامه خواهید دید که این تقسیم بندی با احکام و ادله آنها بی ارتباط نیست. بعد از توضیحاتی که در مورد زیبایی و عیب و تقسیم بندی عمل ها بیان کردیم، نوبت آن است که عمده ترین اعمال جراحی زیبایی را نام برده و با آنها و برخی فوائد و عوارض آنها آشنا شویم. در یک دسته بندی این اعمال به ۵ گروه تقسیم می شوند:

۱- جراحی زیبایی صورت (کشیدن پوست پیشانی و ابرو، صورت و گردن، پلک، تزریق چربی، زیبایی خطوط صورت و غیره).

۲- جراحی زیبایی غبغب و گردن (بالیزر، تزریق یا عمل)

۳- جراحی زیبایی شکم، پهلو و پشت.

۴- جراحی زیبایی سینه (کوچک کردن، بزرگ کردن، کشیدن و غیره).

۵- جراحی زیبایی بازو و ران. (دانش نامه آزاد ویکی پدیا، <https://fa.wikipedia.org/wiki>)

این تقسیم بندی شاید به خوبی گستردگی عمل جراحی زیبایی را نشان ندهد، لذا تقسیم بندی دیگری ارائه می دهیم که بدین قرار است:

۱- عمل جراحی بینی: که شامل عمل پولیپ بینی، آندوسکوپي سینوس، کوچک کردن شاخک های بینی، کوچک کردن بینی، رو به بالا کردن سر بینی، انحراف تیغه بینی و غیره می شود. عمل بینی از شایع ترین اعمال جراحی است.

انسداد تنفسی، خرخر شبانه، کاهش بویایی، خشکی بینی، خون دماغ، سینوزیت، مشکلات گوش، مشکلات قلبی ریوی و غیره از جمله مشکلاتی هستند که فرد را به فکر عمل جراحی بینی می اندازند و گاهی نیز همین عوارض بعد از عمل به وجود می آیند. این عمل باید بعد از سن ۱۴ سالگی صورت گیرد.

۲- عمل کاشت مو: که خود به سه روش انجام می گیرد و علاوه بر کاشت موی سر می توان خط رویش موها را نیز در آن تعیین کرد.

۳- عمل جراحی لب: مثل ترمیم لب شکری، برجسته و کلفت کردن لب ها، بالا بردن لب فوقانی.

۴- عمل جراحی گوش: مثل جراحی لاله گوش، تیز کردن گوش و غیره.

۵- عمل جراحی فک: مثل بزرگ کردن فک یا کوچک کردن آن. این عمل به خاطر شکستن استخوان، درد زیادی دارد.

۶- عمل جراحی کشیدن پوست برای جوان سازی: مثل کشیدن ابرو و چروک های پیشانی، کشیدن پوست صورت و پوست اطراف دهان.

۷- عمل جراحی لاغری و چاقی: مثل لاغر کردن لب ها و چال گونه، برداشتن چربی شکم. عمل برداشتن چربی شکم برای افرادی که می خواهند دوباره وزن کم کنند یا زنانی که قصد بارداری دارند، ضرر دارد.

۸- عمل جراحی پلک: برای پف و افتادگی پلک.

۹- عمل جراحی پوست: برای از بین بردن ناهمواری ها و لکه ها.

۱۰- عمل جراحی سینه: مثل بزرگ کردن سینه و کوچک کردن سینه. این عمل ها باعث سخت شدن شیر دادن به نوزادان و از دست دادن حس می شود. و در عین حال کوچک کردن سینه ها باعث کاهش گردن درد و کمر درد می شود.

۱۱- عمل متناسب سازی چانه: و بزرگ کردن آن با تزریق یا کوچک کردن با تراشیدن. البته تزریق باید هر ۶ ماه تکرار شود.

۱۲- عمل جراحی از بین بردن کشیدگی با تزریق: مثل کشیدگی گردن یا بازو.

۱۳- عمل جراحی برداشتن چربی (لیپوساکشن) شکم و ران و یا سایر اندام ها. و سایر عمل های جراحی زیبایی مثل داخل بردن ناف بیرون زده، لثه و غیره.

احتمال عفونت در همه عمل های جراحی زیبایی وجود دارد و در برخی موارد نیز موجب تغییر رنگ پوست می شود. این مطالب کلیاتی در مورد عمل جراحی زیبایی و انواع و اقسام آن بود. حال نوبت به بیان حکم وضعی چنین عمل جراحی می رسد. (وب سایت موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تیبان، <https://www.tebyan.net>)

### بخش دوم: آیا عمل جراحی زیبایی فی نفسه جایز است؟

در زمان های گذشته چیزی به نام عمل جراحی زیبایی وجود نداشته است و به طور کلی تا زمانی که فرد به حدّ اضطرار و حرج نمی رسید، عمل جراحی صورت نمی گرفت. به مرور زمان و با پیشرفت علم پزشکی ابتدا عمل های غیر ضروری غیر زیبایی پیشرفت کرد و بعد از آن به گفته برخی از قرن هجدهم، عمل جراحی زیبایی نیز پا گرفت و با پیشرفت پزشکی در حوزه جراحی پلاستیک به اوج خود رسید. با توجه به این مطالب نمی توان در آثار قدما مطلبی در مورد عمل جراحی زیبایی یافت مگر مطالبی که از باب اضطرار و حرج هر نوع عمل جراحی را جایز می دانند که از بحث ما خارج است. بنابراین باید گفت عمل جراحی زیبایی جزء مسائل مستحدثه به شمار می آید.

در مورد حکم این عمل، دو قول وجود دارد: قول به حرمت و قول به جواز. بنابراین باید ادله هر دو قول را بررسی کنیم تا به قول صحیح دست پیدا کنیم. اما در ابتدا لازم به یادآوریست که این اعمال جراحی را پیش از این به سه گروه تقسیم کردیم:

گروه اول اعمال جراحی که برای رفع عیوب است شخص را از خلقت الهی اش خارج نمی کند بلکه به ظاهر نوع انسان شبیه تر می کند و عدم عمل جراحی موجب ضرر و یا حرج است مثل رفع

نواقص مادرزادی و یا ضایعات ناشی از سوختگی و صوانح رانندگی. در مورد این عمل ها، حتی اگر ادله حرمت را نیز بپذیریم، باز هم قواعد لاحرج و لاضرر بر آنها حاکم اند. در نتیجه همواره حکم آنها جواز است، چه فی نفسه چنین عملی جایز باشد و چه حرام. بنابر این بحث در مورد آنها، ثمره عملی ندارد.

گروه دوم اعمال جراحی بودند که ضرورت نداشته و از عدم انجام آنها حرجی حاصل نمی شد. چه در صدد رفع عیب بودند و یا صرفاً برای زیبایی بیشتر صورت می گرفتند. و در عین حال ظاهر حال آدمی را از خلقت الهی خارج نمی کرد بلکه مثل گروه قبلی، به ظاهر معمول نوع بشر، شبیه تر می گردید و یا تفاوت چندانی نمی کرد. مثل اعمال جراحی کوچک کردن بینی یا برداشتن لک های پوستی و امثال آن. بحث در مورد حکم چنین عمل هایی فی نفسه، در این گروه از اعمال جراحی ثمره دارد و باید به آن دقت کرد.

گروه سوم از اعمال جراحی عمل هایی بودند که نه ضرورتی داشتند و باعث رفع حرج و برطرف شدن عیبی می شدند و نه ظاهر فرد را به معمول ظاهر نوع آدمی شبیه می کرد بلکه فرد را از ظاهر نوع آدمی خارج کرده و صرفاً برای زیبایی بیشتر و جلب توجه افراد صورت می گیرند. مثل عمل تیز کردن نوک گوش ها یا در آوردن دنده ها و امثال آن. بحث در این گروه نیز دارای ثمره است.

### الف: قول به حرمت عمل جراحی زیبایی

قائلین به این قول ۳ دلیل برای قول خود دارند. اصالة الحرمة و آیات ۱۱۹ سوره نساء و ۳۰ سوره روم.

۱- اصالة الحرمة: بدن ما ملک خداست و ما اجازه نداریم به میل خود در آن تغییر ایجاد کنیم. فقط در مواردی چنین حقی داریم که شارع اجازه داده باشد. شارع نیز فقط در موارد اضطرار و حرج چنین اجازه ای داده است.

۲- آیه ۱۱۹ سوره نساء است که می فرماید: «وَلَا تُضِلُّهُمْ وَلَا تَأْمِنُهُمْ وَلَا تُمْرِنُهُمْ فَلْيَتَّقِنَ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَاللَّامِرْتَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا». محل بحث در



این آیه، عبارت «فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ». تغییر از فطرت و دین، قدر متیقن از تفسیر این عبارت است ولی برخی قائل اند که علاوه بر تغییر فطرت، بر مطلق تغییر در خلق خدا دلالت دارد. عمل جراحی زیبایی نیز تغییر در خلق خداوند قادر و تواناست. اگر هم موردی بخواهد از آن خارج شود، مواردی است که بر اثر صوانح و اتفاقات برای افراد به وجود می آید یا مواردی که به واسطه حرج یا اضطرار از اطلاق آیه خارج می شوند.

۳- آیه ۳۰ سوره روم که می فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ». عبارت «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» محل بحث در این آیه است. همه مفسران در تفسیر این آیه به عدم تغییر و تبدیل در دین خدا و اسلام و توحید اتفاق نظر دارند. در این آیه نیز همانند آیه قبلی تبدیل در خلق خدا منع شده است و عمل جراحی زیبایی، تبدیل در خلق خدای یکتاست.

در پاسخ به دلیل اول یعنی اصالة الحرمة باید بگوییم که: اولاً اصل بر برائت است نه حضر، و ملکیت خداوند تکوینی است و این با تغییرات ظاهری منافاتی ندارد. ثانیاً خداوند در قرآن می فرماید: «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً» و از جمله مواردی که خالق یکتا برای ما خلق کرده و به ما قدرت تسلط بر آن را داده است، شکل ظاهری است که می توانیم در آن تغییر ایجاد کنیم. ثالثاً بنا بر قاعده «الناس مسطون علی اموالهم و انفسهم» انسان بر نفس خود تسلط دارد و می تواند شکل ظاهری آن را تغییر دهد و این کار با مالکیت تکوینی منافاتی ندارد. و نهایتاً اگر هم تغایری با مالکیت تکوینی داشته باشد، بواسطه «کل شیء لک حلال»، چنین تغییر و عملی جایز می شود. (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۴۲۴ قمری، ج ۲، ص ۱۳۳)

دلیل دوم و سوم یعنی هر دو آیه قرآن یک مطلب را بیان می کنند و جواب یکسانی دارند. در پاسخ به این ادله باید بگوییم: اولاً این آیات اطلاق ندارند و هر نوع تغییر و تبدیل در خلق الهی را شامل نمی شوند بلکه، در صدد سرزنش آن چیزی است که مشرکان می خوانند و آن تغییری است که آنها ایجاد کرده اند، یعنی تغییر در دین و فطرت الهی. در ثانی اگر دلالت آیه را بپذیریم، تخصیص

اکثر لازم می آید که از شارع حکیم قییح است. زیرا در بسیاری از موارد جواز بر تغییر داریم مثل جدا کردن دوقلوهای به هم چسبیده، قطع بند ناف، ختنه کردن و موارد بسیار زیادی از این قبیل. بنابراین تغییرات ناشی از عمل جراحی زیبایی، باعث تغییر در فطرت الهی و دین خداوند یکتا نمی شود و جایز است. (خرازی، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، بی تا، ج ۲۳، ص ۱۰۴)

### ب) قول به جواز عمل جراحی زیبایی:

قائلین به این قول عدم دلیل بر حرمت را دلیل اصلی جواز این عمل جراحی می دانند. ادله این قول عبارتند از:

۱- اصالة البرائة: این مسئله از مسائل مستحدثة است بنابراین آیه و روایت، و اجماعی بر حرمت آن نداریم. اطلاق و دلالت ۲ آیه قبلی نیز نفی شد. دلیل عقلی نیز بر حرمت آن وجود ندارد. بنابراین برای حرمت آن بیانی وجود ندارد و در نتیجه برائت عقلی و شرعی جاری می شود.

۲- قاعده تسلیط: «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» می گوید که انسانها اختیار نفس خود را دارند و در نتیجه می توانند در شکل ظاهری خود تغییر ایجاد کنند و آن را زیباتر و یا حتی زشت تر کنند. مانع شرعی نیز برای این تسلط وجود ندارد و صاحب حقی غیر از خداوند متعال، قابل فرض نیز. و همان طور که بیان شد، خداوند متعال ملکیت تکوینی دارد که آن نیز منافاتی با قاعده تسلیط ندارد.

۳- اصالة الحلیت: «کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه» بیان می دارد که انجام هر فعلی حلال است مگر اینکه دلیل بر حرمت آن وجود داشته باشد. در شبهات بدوی و مسائل مستحدثة بنا بر این اصل، حکم به حلیت صادر می شود و عمل جراحی زیبایی نیز یکی از این مسائل است.

بنابر ادله بیان شده حکم عمل جراحی زیبایی، حلیت و جواز است مگر اینکه به واسطه ایجاد نقص و ضرر و قاعده لاضرر یا همراهی با ملزومات حرام، حکم به عدم جواز و حرمت آن داده شود.

درست است که عمل جراحی زیبایی از مسائل مستحدثه است و اجماع یا نظراتی از قدماء در مورد آن وجود ندارد ولی می توان از نظرات فقهای معاصر در مورد این مسئله یا مسائل مستحدثه دیگر، به عنوان معید برای حکم به جواز این عمل استفاده کرد.

#### موید اول: حکم فقهای معاصر در مورد عمل جراحی زیبایی

امام خمینی رحمه الله علیه این عمل را فی نفسه جایز می داند ولی در مواردی که درمان محسوب نمی شود، نگاه و لمس حرام را جایز نمی دانند. (موسوی خمینی، توضیح المسائل محشی، ۱۴۲۴ قمری، ج ۲، ص ۹۵۲؛ استفتائات، ۱۴۲۲ قمره، ج ۲، ص ۴۵)

آیات عظام مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی رحمه الله علیه، خامنه ای، محمد امین بحرانی، سید محمد و سید صادق شیرازی، نیز این عمل را فی نفسه جایز می دانند و اگر هم ایراداتی می گیرند از باب لمس و نظر به نامحرم است. (مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۱۴۲۴ قمری، ج ۲، ص ۱۳۳؛ فاضل موحدی لنکرانی، جامع المسائل فارسی، بی تا، ج ۲، ص ۴۸۶؛ حسینی خامنه ای، اجوبه الاستفتائات فارسی، ۱۴۲۴ قمری، ص ۲۸۸؛ محمد امین بصری بحرانی، کلمه التقوی، ۱۴۱۳ قمری، ج ۴، ص ۴۶۴؛ حسینی شیرازی، الاسئله و الاجوبه - اثنا عشر رساله، بی تا، ج ۲، ص ۵۶؛ حسینی شیرازی، الف مساله فی بلاد الغرب، ۱۴۲۸ قمری، ص ۲۴۱)

آیت الله بهجت رحمه الله علیه نیز در این باره می فرمایند: جراحی زیبایی صورت اگر عرفاً صدق زینت کند و موجب تحریک و توجه نامحرم شود، حرام است. (بهجت فومنی، استفتائات، ۱۴۲۸ قمری، ج ۴، ص ۲۰۶)

در مقابل آقای منتظری رحمه الله علیه می فرمایند: انجام آن با احراز عدم ضرورت عرفی محل اشکال است. (منتظری نجف آبادی، رساله استفتائات، بی تا، ج ۳، ص ۳۳۶)

آقای خوئی رحمه الله علیه نیز وقتی این عمل صرفاً برای زیبایی باشد، آن را بی اشکال نمی دانند.

در کتاب فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، آمده است که: این عمل جایز است اما اگر صرفاً برای زیبایی باشد، برخی ایراد گرفته اند. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ قمری، ج ۳، ص ۶۹)

با توجه به فتاوی فقهای معاصر ملاحظه می فرمایید که اکثر ایشان، این عمل را فی نفسه جایز می دانند و اگر هم اشکالی دارند، از باب لمس و نظر حرام است. و کسانی هم با آن مخالف اند، در صورتی مخالف اند که ضرورتی نداشته باشد و صرفاً برای زیبایی باشد. به نظر می آید ایشان نیز از باب لمس و نظر حرام و عدم ضرورت چنین عملی، این عمل را حرام دانسته اند و حکم به حرمت داده اند، نه اینکه این عمل را فی نفسه حرام بدانند.

بنابر این عدم دست یابی فقهای معاصر بر دلیلی دالّ بر منع، مؤید قول به جواز در این مسئله است.

### مؤید دوم: قیاس اولویت

یکی دیگر از مسائل مستحدثه، تغییر جنسیت است. تغییر جنسیت گاهی در فرد خنثی صورت می گیرد و گاهی در افرادی که خنثی نیستند. در احادیث به مسئله فرد خنثی پرداخته شده است ولی عمل جراحی چنین فردی جزء مسائل مستحدثه است.

اگر ظاهر فرد بر خلاف جنس واقعی او باشد، و پوست یا مانعی روی عضو واقعی قرار داشته باشد، همه فقهای معاصر کشف جنس واقعی را با عمل جراحی جایز می دانند. در جایی که فرد خنثای غیر مشکل است و در انجام احکام دچار حرج شده است، ایجاد ظاهری مطابق یکی از دو جنس با عمل جراحی و انجام تکالیف بر طبق آن ظاهر، مورد اجماع فقهای معاصر است. در جایی که فرد خنثای مشکل است نیز، از بین بردن عضوهای یکی از دو جنس و تبدیل شدن به جنس دیگر و عمل به احکام آن جنس، مورد اجماع فقها است.

در همه این موارد، تغییرات ظاهری در فرد صورت می گیرد که مغایر با صورت خلقت اولیّه اوست ولی چنین تغییراتی را فقهای معاصر، جملگی جایز می دانند. اگر چنین تغییراتی به علت عدم منع شرعی، جایز باشد، می توان حکم آن را به عمل جراحی زیبایی نیز تعمیم داد و آن را نیز جایز دانست.

نوع دیگری از عمل تغییر جنسیت نیز وجود دارد که البته در امکان تحقق واقعی آن در خارج اختلاف وجود دارد، و آن عمل تغییر جنسیت یک جنس که ظاهر و واقعیتی یکسان دارد، به جنس

مقابل است. مثل اینکه فردی که در ظاهر و واقع، مذکر است با تغییر جنسیت به فردی با ظاهر و باطن مؤنث تبدیل شود. اگر چنین عملی تغییر در تکوینیات به حساب نیاید و ادله‌ی منع آن را نگیرد، به طریق اولی، عمل جراحی زیبایی، منعی نداشته و جایز است.

ادله‌ی ای که برای منع از این عمل و ردّ آن و جواز آن وجود دارد، همانند ادله‌ی عمل جراحی زیبایی است. اما نظرات فقهای معاصر به خاطر اهمیت تعیین جنسیت فرد در عمل به احکام، در این زمینه بیشتر و گسترده تر است.

آقای فاضل لنکرانی رحمه الله علیه تغییر صوری در جنسیت را حرام می داند ولی تغییر واقعی را جایز برمی شمارد. (فاضل موحّدی لنکرانی، احکام پزشکان و بیماران، ۱۴۲۸ قمری، ص ۱۳۴)

آقای منتظری رحمه الله علیه نیز تغییر جنسیت را فی نفسه حرام نمی داند و شرط عدم وقوع ملازمات حرام را مطرح می کند. (منتظری نجف آبادی، احکام پزشکی، ۱۴۲۷ قمری، ص ۱۱۲ و رساله استفتائات، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۸)

آقای مکارم شیرازی نیز تغییر جنسیت را ذاتاً خلاف شرع نمی داند ولی به صورت صوری را جایز نمی داند. (مکارم شیرازی، احکام پزشکی، ۱۴۲۹ قمری، ص ۱۰۵ و احکام بانوان، ۱۴۲۸ قمری، ص ۲۵۲ و رساله توضیح المسائل، ۱۴۲۹ قمری، ص ۴۸۶)

آقای سید محسن خرازی وقوع چنین چیزی را در خارج محال می داند ولی به فرض وقوع، آن را جایز می داند. (خرازی، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، بی تا، ج ۲۳، ص ۱۰۴)

ولی برخی دیگر از فقها و بزرگانی مثل امام خمینی رحمه الله علیه و آقای خامنه‌ای به این مورد متعرّض نشده اند و فقط در موارد قبلی حکم به جواز داده اند. شاید علت این امر اعتقاد آنان به عدم امکان چنین مسئله‌ای است. (موسوی خمینی، ترجمه تحریر الوسیله، ۱۴۲۵ قمری، ج ۴، ص ۴۷۹ و توضیح المسائل محشی، ۱۴۲۴ قمری، ج ۲، ص ۹۳۰؛ حسینی خامنه‌ای، اجوبه‌ی الاستفتائات فارسی، ۱۴۲۴ قمری، ص ۳۸۳)

در مقابل آقا جواد تبریزی رحمه الله علیه این عمل را جایز ندانسته و فقط در مورد خنثایی که بخواهد ظاهر خود را مطابق واقع قرار دهد حکم به جواز می دهند. (تبریزی، استفتائات جدید، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۹)

با توجه به فتاوی و نظرات فقهای معاصر در مورد تغییر جنسیت می توان نتیجه گرفت که ایشان این عمل را جایز می دانند و اگر در مواردی حکم نداده یا حکم به عدم جواز داده اند، از باب عدم وقوع خارجی یا مقارنات حرام است. بنابر این وقتی چنین عملی که ظاهر و باطن فرد را به چیزی غیر از آنچه که بوده تبدیل می کند، جایز باشد و تغییر در خلق الهی و تکوینیات به حساب نیاید، به طریق اولی می توان گفت که عمل جراحی زیبایی نیز، جایز است.

### **بخش سوم: حکم تکلیفی اخذ اجرت بر عمل جراحی زیبایی**

پس از بررسی حکم وضعی عمل جراحی زیبایی، نوبت به حکم تکلیفی آن می رسد. بنابر اصالة الاباحه، دلیلی بر حرمت اخذ اجرت بر چنین فعلی وجود نداشته و این کار جایز است. این عمل طبق یک قرار قبلی بین دو طرف و عقد فی مابین انجام می گیرد و پزشک به خاطر فعلی که انجام می دهد، اجرت اخذ می کند. طیب نفس و رضایت در هر دو طرف وجود دارد و متعاقدین تمامی شروط را دارا می باشند. بنابر این مانعی برای صحّت عقد وجود ندارد. و این معامله بر هر دو طرف لازم است.

عمده دلیل بر جواز اخذ اجرت، عدم مانع است و اصل اباحه. هیچ نقد و ایرادی نیز از طرف فقها در صورت جواز این عمل، بر حکم تکلیفی آن یعنی اباحه، وارد نشده است. بنابر این ما نیز نیازی به توضیح بیشتر در این زمینه نمی بینیم.

## بخش چهارم: نتیجه گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در سه بخش گذشته باید گفت: اعمال جراحی چه برای رفع عیب باشد و چه به جهت زیبایی و جلب توجه، جزء اعمال جراحی زیبایی محسوب می شوند و تعریف زیبایی، تعریفی است که عرف برای زیبایی ارائه می دهد.

دو قول در مورد حکم عمل جراحی زیبایی وجود دارد. قول به منع و حرمت و قول به جواز. ادله قول به حرمت اصالة الحرمة و نهی آیات قرآن از تغییر و تبدیل در خلق الله است. به هر دو دلیل اشکال وارد است. چرا که اصل بر براءت و حلیت است و مردم بر نفس خود تسلط دارند. آیات نیز اطلاق ندارند و در صدد نفی اعتقاد مشرکان و تغییر در فطرت الهی است و بر فرض اطلاق، تخصیص اکثر پیش می آید که قبیح است.

ادله قول به جواز، اصالة البراءت و اصالة الحل و قاعده تسلیط است. فتوای فقهای معاصر در مورد این عمل و قیاس اولویت نسبت به فتوای فقهای معاصر در مورد عمل تغییر جنسیت، نیز از مویدات این قول است.

با توجه به عدم وجود مانع و اصالة الحل و طیب نفس طرفین، اخذ اجرت بر چنین عملی نیز جایز است.

## خاتمه: چند گفتار پیرامون عمل جراحی زیبایی

### گفتار اول: ضرر

بسیاری از عمل های جراحی دارای عوارض جانبی هستند، مثل عفونت ها یا باقی ماندن جای جراحی و تغییر رنگ و مسائلی از این دست. چنین چیزهایی نمی تواند به عنوان ضرر مانع از جواز چنین عمل هایی شود. البته شایان ذکر است که امروزه با فرم هایی که بیماران قبل از عمل پر می کنند، مسئولیت عوارض احتمالی را خود بر عهده می گیرند و ضمانتی بر عهده پزشکان نمی آید.

ضرری که می تواند به عنوان مانع باعث عدم جواز شود، ضررهای جزئی و معمول نیست، بلکه ضررهای متنابه که مورد توجه قرار می گیرد، چنین قابلیت دارند. مثل کور شدن در عمل چشم با لیزر. اما کم شدن اشک در چنین عملی طبیعی بوده و ضرر به حساب نمی آید. در عمل های جراحی زیبایی نیز در صورتی که ضرر متنابه باشد، می تواند مانع محسوب شود. ولی چون به خطرات احتمالی در ضمن عقد اشاره شده و بیمار با علم به آنها، رضایت به عمل داده است، مانعی از اخذ اجرت وجود ندارد.

با توجه به قاعده ی تسلیط، فرد بر نفس خود تسلط دارد. از طرفی اضرار به نفس نیز حرام است. بنابر این دو فرض وجود دارد. فرض اول جایی که احتمال ضرر کم است و عقلا به آن اعتنایی نمی کنند. در این حالت عمل جراحی جایز است و اگر هم ضرر متنابه ای اتفاق بیفتد، چون از ابتدا علم به وقوع آن نداشته است، اضرار به نفس محسوب نمی شود. و چون عقلا نیز قبل از عمل به آن اعتنا نمی کنند، مانع عقلی برای این عمل وجود ندارد.

فرض دوم جایی است که احتمال ضرر بالا و قابل اعتنا است. در این فرض اضرار به نفس صدق کرده و مانع جواز عمل می شود و شامل قاعده تسلیط نمی شود. عقلا نیز به چنین فردی اجازه عمل نمی دهند. البته اضرار و حرج باعث ضرورت پیدا کردن چنین عملی و جواز آن می شود.

### گفتار دوم: حرج

قاعده لاحرج یکی از قواعد حاکم است. و شاید موردی نباشد که بواسطه حرج جایز نشود. البته باید دقت کرد تا در تطبیقات دچار خطا نشویم و هر چیزی را حرجی برنشمردیم و به این سبب، حکم به جواز ندهیم.

همان طور که در ابتدای بحث مطرح شد، عمل های جراحی زیبایی به سه گروه تقسیم می شوند: دسته اول عمل هایی که برای رفع عیوب صورت می گیرند و ممانعت از عمل باعث حرج و ضرر می شود و یا اضرار فرد را مجبور به چنین عمل هایی می کند.



دسته دوّم عمل هایی که برای رفع عیب صورت می گیرند ولی از عدم آنها، حرج و ضرری پیش نمی آید، یا برای رفع عیب نیستند و صرفاً جهت زیبایی اند. در ضمن باعث تغییر در ظاهر فرد به طوری که از صورت ظاهری نوع انسان خارج شود، نمی شوند.

دسته سوّم عمل هایی که برای رفع عیب نیستند و صرفاً برای افزایش زیبایی و جلب توجه صورت می گیرند و در ضمن فرد را از ظاهر نوع خود و خلقت ظاهری نوع خودش خارج می کنند.

در ابتدای بحث، نوع اوّل از عمل ها را به دلیل حکومت لاحرج، از بحث خارج کردیم و حکم به جواز آنها را مطرح کردیم. اگر بر فرض ادله اضطرار و حرج هم موجود نبودند، همان ادله ای که برای دسته دوّم و سوّم، بیان شد، در اینجا هم جاری می شود. در ضمن اگر عمل های جراحی نوع دوّم و سوّم جایز باشند، عمل های نوع اوّل به خاطر وجود حرج و اضطرار، به طریق اولی جایز اند. بنابراین باید گفت، هر جا حرجی نسبت به یک عمل جراحی زیبایی وجود داشته باشد، با قطع نظر از حرج، آن عمل جایز است و حرج باعث لزوم و وجوب چنین عملی می گردد.

### گفتار سوّم: تدلیس

تدلیس یکی از عناوینی است که با عمل جراحی زیبایی امکان فرض آن وجود دارد. اما صرف عمل جراحی زیبایی بودن، باعث تدلیس نمی شود. برخی از عمل های جراحی زیبایی ضروری اند و در نتیجه حکم حرمت پیدا نمی کنند. برخی دیگر از این عمل ها به گونه ای هستند که فرض فریب دیگران در آنها راه ندارد و در نتیجه جایز اند. فقط مواردی محل شبهه اند که تغییرات برای افزایش زیبایی و جلب توجه باشد و سبب فریب طرف مقابل نسبت به زیبایی و جمال یا صفات مورد نظر شود. اما در جایی که مثلاً معلوم است فرد عمل جراحی بینی برای زیبایی بیشتر انجام داده و طرف مقابل به آن علم دارد، سبب فریب خوردن و تدلیس نمی شود.

بله ممکن است فردی با عمل جراحی زیبایی برخی از عیوب ارثی خود را که به فرزندانش قابل انتقال است، برطرف کند، و ضرورتی نیز به این عمل نبوده و صرفاً جهت افزایش زیبایی و جلب مخاطب و خواستگار، اقدام به این کار کرده باشد، مخاطب نیز فریب ظاهر او را خورده و به او

متمايل شده است. در چنين صورتی اگر مصداق تدليس پيدا کند، حکم حرمت شامل حال آن شده و اخذ اجرت بر آن حرام می شود.

با توجه به مطالب بيان شده می توان نتيجه گرفت که عنوان تدليس فی نفسه بر عمل جراحی زیبایی صدق نمی کند بلکه از تطبیقات خارجی آن است و ممکن است بر برخی از موارد آن صدق کند. بنابر این در حکم کلی عمل جراحی زیبایی تاثیر ندارد و این جراحی فی نفسه جایز است.

## فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- پروانه، حیدری، مقایسه کیفیت زندگی قبل و بعد از عمل زیبایی بینی و برآورد هزینه آن با استفاده از رویکرد سرمایه انسانی، دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ۱۳۹۵ شمسی.
- ۳- جواد بن علی، تیریزی، استفتائات جدید، ۲ جلد، بی نا، قم - ایران، بی تا.
- ۴- جمعی از مولفان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام فارسی، ۵۶ جلد، موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، بی تا.
- ۵- جمعی از مولفان زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۳ جلد، موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، ۱۴۲۶ قمری.
- ۶- حسین علی، منتظری نجف آبادی، احکام پزشکی، ۱ جلد، نشر سایه، قم - ایران، ۱۴۲۷ قمری.
- ۷- حسین علی، منتظری نجف آبادی، رساله استفتائات، ۳ جلد، بی نا، قم - ایران، بی تا.
- ۸- زین الدین، محمد امین، بصری بحرانی، کلمة التقوی، ۷ جلد، ناشر سید جواد وداعی، قم - ایران، ۱۴۱۳ قمری.

- ۹- سید ابوالقاسم، موسوی خویی، صراط النجاة (المحشى)، ۳ جلد، مکتب نشر المنتخب، قم - ایران، ۱۴۱۶ قمری.
- ۱۰- سید روح الله، موسوی خمینی، تحریر الوسيله، ترجمه علی اسلامی، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۲۵ قمری.
- ۱۱- سید روح الله، موسوی خمینی، توضیح المسائل محشی، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۲۴ قمری.
- ۱۲- سید روح الله، موسوی خمینی، استفتائات، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۱۴۲۲ قمری.
- ۱۳- سید صادق، حسینی شیرازی، الف مسأله فی بلاد الغرب، ۱ جلد، دارالعلوم - موسسه الامامه، بیروت - لبنان، ۱۴۲۸ قمری.
- ۱۴- سید علی بن جواد، حسینی خامنه ای، أجوبه الاستفتائات (فارسی)، ۱ جلد، دفتر معظم له در قم، قم - ایران، ۱۴۲۴ قمری.
- ۱۵- سید محمد، حسینی شیرازی، الاسئله و الاجوبه - اثنا عشر رساله، ۱۲ جلد، بی نا، بی جا، بی تا.
- ۱۶- فاضل موحدی لنکرانی، احکام پزشکان و بیماران، ۱ جلد، بی نا، بی جا، بی تا.
- ۱۷- فاضل موحدی لنکرانی، جامع المسائل (فارسی)، ۲ جلد، انتشارات امیر قلم، قم - ایران، بی تا.
- ۱۸- محمد تقی، بهجت فومنی، استفتائات، ۴ جلد، دفتر آیت الله بهجت، قم - ایران، ۱۴۲۸ قمری.
- ۱۹- ناصر، مکارم شیرازی، کتاب النکاح، ۶ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، ۱۴۲۴ قمری.
- ۲۰- ناصر، مکارم شیرازی، احکام بانوان، ۱ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، ۱۴۲۴ قمری.
- ۲۱- ناصر، مکارم شیرازی، احکام پزشکی، ۱ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، ۱۴۲۹ قمری.

۲۲- ناصر، مکارم شیرازی، استفتائات جدید، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، ۱۴۲۷ قمری.

۲۳- ناصر، مکارم شیرازی، رساله توضیح المسائل، ۱ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، ۱۴۲۴ قمری.

۲۴- وب سایت دانش نامه آزاد ویکی پدیا، <https://fa.wikipedia.org/wiki>.

۲۵- وب سایت موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، <https://www.tebyan.net>.